



روحانی قبل از ۹۲
با سیاست‌های کلی نظام همراه بود

سیدمحمد حسینی، معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری، در همایش طرح ملی اعتلا و در جمع اساتید و دانشگاهیان دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان رضوی، درباره اینکه انتخابات حق است یا تکلیف، گفت: «انتخابات از منظر اسلامی هم حق و هم وظیفه است چراکه به واسطه آن نظام اسلامی تقویت می‌شود و در مقطعی که مردم حضور چشمگیری در صحنه داشتند، دشمنان فهمیدند که نمی‌توانند کاری از پیش ببرند و در مقابل خواسته مردم کوتاه آمدند. لذا از نشانه‌های اقتدار و صلابت نظام اسلامی، حضور مردم است اما در برخی کشورهای هم‌جوار اساساً یا انتخابات وجود ندارد و یا حضور در انتخابات اجباری است و مطابق قانون هر کس شرکت نکند با محدودیت‌های اجتماعی و خدماتی مواجه می‌شود.»

معاون رئیس‌جمهور در پاسخ به اینکه چرا شورای نگهبان در سال ۹۲ صلاحیت رئیس‌جمهور سابق را تأیید و اکنون رد کرد؟ گفت: «اعضای شورای نگهبان برای بررسی‌های خود حجت شرعی دارند، ایشان قبل از آن دوره همواره خود را با سیاست‌های کلی نظام و مجموعه حاکمیت همراه نشان می‌داد و حتی در جریان کوی دانشگاه سخنران مراسم ۲۲ تیر ۷۸ بود اما بعد از ریاست‌جمهوری در موارد متعددی در خصوص سیاست‌های کلی نظام اقدامات قابل تأملی داشت و البته شورای نگهبان نیز در هر دوره براساس مستندات و مدارک، تصمیم‌گیری می‌کند.» حسینی با اشاره به آثار و پرکات انتخابات و فعال شدن مردم در این زمینه گفت: «انتخابات مسئولین را پاسخگو و باعث ارتقای سطح آگاهی مردم می‌شود. انتخابات فرصتی است که مردم با مسائل مختلف و حقوق خود در زمینه‌های گوناگون آشنا می‌شوند و در نتیجه آن سطح آگاهی بینش مردم ارتقا پیدا می‌کند.»



لطمه می‌بینیم

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان در بخشی از سخنان خود در برنامه «تقاطع» تاکید کرد: «در بحث انتخابات چون دیگر مصادیق و اشخاص هستند، نمی‌توانیم موارد را به صورت عمومی مطرح کنیم چون در مورد انتشار عمومی باید قانون به ما مجوز بدهد.» وی با اشاره به این که «دلایل رداصلاحیت‌ها را ما به خود افراد می‌گوییم و به‌طور مثال در انتخابات مجلس در ایمن زمینه تکلیف قانونی داریم.» افزود: «یک بزرگواری در دوره‌ای خیلی در رسانه‌ها عنوان می‌کرد که رداصلاحیت شده و دلایلش را به او نگفتند. در حالی که ما به نوبت به افراد رنگ می‌زدیم و در نهایت با او تماس گرفتیم و گفتیم شما تشریف بیاورید تا مطالب را برای‌تان مطرح کنیم، اما نمی‌آمدند. وقتی تشریف آوردند موارد را برای‌شان مطرح کردیم، اما رفتند بیرون و خلاف گفتند.» سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به این سوال که چه برخوردی با ایشان شد؟ گفت: «هیچ برخوردی نشد.»

طحان‌نظیف درباره سازوکار برای برخورد با این رفتارها گفت: «الان در سال ۱۴۰۲ در اصلاحیه قانون انتخابات گفته شده اگر کسی رفت و خلاف واقع گفت و حرف کذب به نهادی منتسب کرد، حق دفاع برای آن نهاد قائل شده است. قبول دارم که ما داریم در این رابطه لطمه می‌بینیم اما همه باید به قانون پایبند باشیم چون با یک جمع حقوقی مواجه هستیم و از جمع حقوقی نخواهید که بر خلاف قانون عمل کند.»



از تایید تا تحدید نظارت استصوابی

موضع اصولگرایان درباره رداصلاحیت‌های خبرگان



عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان

شاید دومین خبر پر مخاطب درباره مجلس خبرگان رهبری طی چند روز اخیر، پس از رداصلاحیت حسن روحانی، بی‌رقیب بودن ابراهیم رئیسی در انتخابات ۱۱ اسفند در حوزه انتخابی خراسان جنوبی باشد. البته بی‌رقیب بودن افراد در انتخابات مجلس خبرگان با وجود اهمیت بالایی این مجلس بی‌سابقه نیست. مثلاً در همین انتخابات دوره قبل در سال ۱۳۹۴ هم ۶ حوزه انتخاباتی تعداد کاندیداهای تاییدصلاحیت‌شده‌اش با کرسی‌های نمایندگی آن در مجلس خبرگان برابر بود و ۴ حوزه انتخاباتی از جمله خراسان شمالی و بوشهر هم فقط یک تاییدصلاحیت‌شده داشت، حالا در این انتخابات ۱۱ کرسی بی‌رقیب هستند و حوزه فارس هم که تعداد تاییدصلاحیت‌شده‌هایش از کرسی‌های این حوزه در مجلس خبرگان کمتر است؛ مسئله‌ای که در این بین مهم است، نه فقط از باب بی‌رقیب بودن ابراهیم رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور در این انتخابات بلکه رداصلاحیت چهره‌هایی مانند حسن روحانی، رئیس‌جمهوری پیشین و مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری دولت پیشین و وزیر کشور دولت احمدی‌نژاد است؛ دوچهره‌ای که خاستگاه‌شان جامعه روحانیت مبارز و طیف سنتی اصولگرا و اعتدالگرا بوده است.

واکنش‌ها به رداصلاحیت‌های مجلس خبرگان

بی‌رقیب بودن رئیسی در حالی که در دوره قبل حداقل یک رقیب برای او در انتخابات مجلس خبرگان در کار بود و این بار با حذف ۴ کاندیدای رقیب احتمالی، او یک‌تاز انتخابات در این حوزه است و حرکت جریان اصولگرایی در هسته سخت قدرت به حذف چهره‌های سنتی این جریان از گود رقابت، بحث‌های مختلفی را درباره مجلس خبرگان و تضعیف آن به میان آورده است. اگرچه هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان گفته است که «۹۵ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان مجلس خبرگان که صلاحیت‌شان تأیید نشده با استناد به بند مربوط به احراز شرایط علمی رداصلاحیت

قبلا هم پیش آمده که یک نفر در انتخابات بدون رقیب در یک حوزه انتخابیه باشد (سمنان/بوشهر/خراسان شمالی). اما اینکه فردی مانند ابراهیم رئیسی که رئیس‌جمهور هم هست بی‌رقیب باشد قابل توجه است. چرا چنین پدیده‌ای رخ داده و نسبت آن با انتخابات چیست؟ این وضعیت انتخابات خبرگان چه نسبتی با حرف‌های قبلی رهبری دارد؟ آیا تصمیمات احتمالی آن در آینده، منجر به تضعیف موقعیت رهبری آینده نمی‌شود؟

حسن بیادی: جدیداً اتفاقات عجیب و غریبی در سیاست‌های داخلی می‌افتد. اگر قبلاً هم چنین اتفاقی رخ داده، اشتباه بوده است و الان نیز تکرار چنین اتفاقی اشتباه است. یکی از دلایل مهم این معضلات وجود سیستم مقنن انتخابات در کشور است که این روش نه در شأن جمهوری اسلامی است و نه در هیچ کجای دنیا چنین انتخابی برگزار نمی‌شود. زمانی که مکانیزم انتخابات اشتباه باشد و بدون در نظر گرفتن رشد جامعه و مسائل اجتماعی روز تدوین شود، بدون شک چنین اتفاقی رخ خواهد داد. به‌ویژه در شرایطی که شورای نگهبان نیز روش‌های جدیدی را برای انتخابات اتخاذ کرده که با این تغییر و تحولات مشکل دارد فلذا این اتفاقاتی که رخ داده با درخواست و مطالبات مقام معظم رهبری در تضاد است و شک نکنید چنین مجلس خبرگان با چنین رویکردی حتماً منجر به تضعیف جایگاه رهبری در کشور می‌شود. به کارگیری روش اشتباه هم در اذهان عمومی ابهام ایجاد می‌کند و هم موجب خنده‌دار شدن اعتماد عمومی می‌گردد و فرقی نمی‌کند که در چه دوره‌ای و برای چه کسی رخ داده باشد؛ وقتی اعتماد عمومی از دست رفت، احیای آن دیگر به راحتی نخواهد بود و هزینه‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری ایجاد خواهد نمود. مگر می‌شود انتخاباتی بدون رقیب برگزار شود؟ اما متأسفانه شاهد این اتفاق در انتخابات مجلس خبرگان هستیم؛ اساساً این نوع برنامه‌ریزی برای انتخابات خبرگان، شأن‌های زیادی تولید و مردم را ناامید می‌کند. با این تعداد کم از کاندیدا چنین برداشتی می‌شود که اکثر خبرگان ریزش کرده و نیروی انسانی جدیدی رشد نیافته و در بحران نیروی انسانی به سر می‌بریم و رشدی جدی در حوزه‌های علمیه صورت نپذیرفته و در کل حوزه‌های کشور رشدی نداشته‌اند که چنین افرادی پرورش پیدا کنند. شما ببینید، کسی که می‌خواهد نماینده مجلس خبرگان شود، به خواست خود نمی‌تواند حوزه انتخابیه انتخاب کند و به آن‌ها می‌گویند که از کجائیت نام کنند و این افراد هم ثبت‌نام کردند و حالا آن‌ها را رداصلاحیت کرده‌اند. مگر پرورش یک فرد عالم کار امروز و فرداست؟ سال‌ها طول می‌کشد تا کسی به درجه اجتهاد مورد نظر شورای نگهبان برسد و مجتهد بشود و این در حالی است که مسئولین ذی‌ربط در این موضوعات تجربیات لازم را نداشته و با به‌صورت صوری کارها انجام می‌شود.



نیامده‌اند. حتی اگر یک‌دهم این افراد می‌آمدند، خیلی شرایط برای انتخابات خبرگان بهتری می‌شد. همانطور که گفتیم، من معتقدم باید یک بازنگری جدی صورت بگیرد که ممکن است بخشی از این بازنگری نیاز به اصلاح قانون اساسی داشته باشد که برای تاییدصلاحیت‌ها از روش‌های دیگری استفاده شود. کشور باید مرتب در حال بازنگری باشد و روش‌های نوینی را استفاده کند. نکته مهم این است که نسل تغییر کرده و ما متأسفانه نمی‌خواهیم توجه کنیم که نسل فعلی بانسل دهه اول انقلاب متفاوت است. هنوز من معتقدم خیلی از دست‌اندرکاران ما به این واقعیت باور ندارند که باید با نسل فعلی به زبان خودشان حرف زد. با توجه به تغییر نسل باید در امور مختلف درباره روش‌های مختلف بازنگری کرد که از جمله این موارد بحث انتخابات است.



حسین انواری: اول اینکه براساس قانون انتخابات در آنجاهایی که تعداد نامزد در هر منطقه‌ای از دو برابر کمتر است، انتخابات خبرگان برگزار نمی‌شود و ممکن است حوزه انتخابیه برخی از کاندیداها را جایجا کنند. البته در این امکان اجباری نیست و حالا که در برخی از استان‌ها دو برابر کاندیدا نداریم، دو حالت متصور است؛ یا انتخابات را در آنجا برگزار نکنیم و یا با نامزدها به توافق برسیم که حوزه انتخابیه خود را جایجا کنند. کاندیدای مجلس خبرگان باید شرایطی داشته باشد، از نظر علمی سطح قابل قبولی داشته باشد، صلاحیت اخلاقی و رفتاری و سوابق کاری آنها مورد تایید باشد، چرا که قرار است در جایگاه بزرگی بنشینند که برای انتخاب رهبری نظام است و هرکسی نمی‌تواند در آن جایگاه بنشیند بنابراین شورای نگهبان تمام این ضوابط را در نظر می‌گیرد و ممکن است کسانی باشند که صلاحیت آنها در دوره گذشته تایید شده باشد اما در حال حاضر به دلایلی که رخ داده، خطاها و اشکالاتی که وجود داشته نمی‌تواند تاییدصلاحیت شود، بنابراین آنها کار خود را انجام می‌دهند. همه کسانی که در مجلس خبرگان شرکت می‌کنند به قانون اساسی و رهبری اعتقاد دارند و همه رهبر را قبول دارند. این افراد باید که رهبر نظارت داشته باشند که این کار را انجام می‌دهند و از طرفی باید بتوانند شناختی از افراد واجد شرایط داشته باشند که در آینده اگر نیاز شد بتوانند از آنها برای رهبری نظام استفاده کنند.

رویکرد دفاع و توجیه اصولگرایان در قبال عملکرد شورای نگهبان طی دوره‌های گذشته آیا درست بوده و آیا همین رویکرد را باید ادامه دهند یا به دفاع از نهاد انتخابات و جایگاه آن در قانون اساسی بپردازند؟

می‌دهد. کسانی که برای مجلس خبرگان ثبت‌نام می‌کنند از علمای بزرگ از بلاد‌های مختلف هستند و اکثر آنها نیز تاییدصلاحیت می‌شوند اما برخی اشکالاتی دارند و در زندگی سیاسی آنها مواردی وجود دارد و بخشی نیز وضعیت حال آنها مدنظر است و ممکن است در گذشته تاییدصلاحیت شده باشند اما به واسطه مشکلاتی، حالا تایید نشدند. بر فرض ممکن است کسی تاییدصلاحیت شده باشد اما الان به مخالفت گویی علیه نظام مشغول شده است، آیا صلاحیت دارد که در مجلس خبرگان باشد؟ نقد را کنار می‌گذاریم، اینکه مخالف گویی کنند، نظام را زیر سوال ببرند، افکار عمومی را مخدوش کنند صلاحیت حضور در مجلس خبرگان را دارند؟

حسن بیادی: از شواهد و قرائن اینطور برمی‌آید که این رویکرد قطعاً درست نبوده و دست‌گام‌های نظارتی با این گروه خالص ساز انحرافی که پروژه حذف روحانیت اصیل و اثرگذار را از صحنه سیاسی کلید زدند، همکاری کردند و باید در آینده پاسخگو باشند.



حسین انواری: این نظام یک ساختار تعریف‌شده و موازی‌بندی دارد و براساس همان‌هاست که چهل و خرده‌ای سال است که حرکت می‌کنیم. ممکن است که با اشکالاتی مواجه بوده‌ایم، آنچنان که در دوره حضرت امام مجمع تشخیص مصلحت؛ ممکن است که مصلحت نظام در زمان خاص ایجاب کند ما از ضوابطی که شورای نگهبان دارد عدول کنیم. این را در تشخیص مصلحت بین مجلس و شورای نگهبان انجام می‌دهیم که کشمکش وجود نداشته باشد. بنابراین ما در صحنه سیاسی کشور نظاماتی داریم و به آن نظامات باید احترام بگذاریم. آنهایی که به این نظامات اعتراض دارند، خودشان یا همین نظامات سرکار آمدند. مگر ریاست جمهوری‌های قبلی با همین نظامات سر کار نیامدند؟ منظور الان اعتراض دارند که اینها سر جای خود نیستند؟ اینها دیگر نگاه‌های جناحی و ناشی از کم‌بینی است و الا شورای نگهبان سر جای خود و تحت اشراف مقام معظم رهبری کار خود را انجام



حسین انواری:
اصلاً شورای نگهبان جناحی عمل نمی‌کند و شأن آن در این حد نیست که اینگونه عمل کند. شورای نگهبان یک رابطه دارد که قانونی و شرعی است؛ چه در مصوبات مجلس و چه در انتخابات

ناصر ایمانی: درباره این موضوع باید دو نکته را تذکر داد. اصول‌گرایان الان طیف وسیعی هستند، همچنان که این وسعت درباره اصلاح‌طلبان هم صدق می‌کند. اصول‌گراها فقط در یک چیز مشترک هستند که این نقطه مشترک دفاع از نظام و نهادهای قانونی نظام است و گرنه در بین اصول‌گرایان هم طیف‌های وسیعی دارند که منتقد هستند. برای مثال بر سر موضوع آقای لاریجانی، بسیاری از چهره‌های شاخص اصول‌گرا به عملکرد شورای نگهبان اعتراض داشتند. البته اصول‌گراها همگی بر یک موضوع اتفاق نظر دارند و این است که از کلیت شورای نگهبان وظیفه قانونی که در قانون اساسی بر عهده آن قرار داده شده، دفاع کنند اما حتی درباره دامنه نظارت استصوابی هم بحث در بین اصول‌گرایان وجود دارد و برخی از اصول‌گرایان درباره تایید و یا رداصلاحیت‌ها با این تشخیص‌های شورای نگهبان موافق نیستند، منتها بعضی از اصول‌گرایان انتقاد خود را به‌صراحت بیان می‌کنند اما برخی دیگر نقد خود را صریح نمی‌گویند.

